

هومن جعفری

روزنامه‌نگار ورزشی

توسعه محال در بستر ضد توسعه

مطلب امروز، دنباله‌روی همان چیزی است که پیش از این، دست‌کم دو بار دیگر نوشته شده بود. توسعه باشگاه‌های فوتبال ایران، در این بستر و ساختار ضد توسعه عملاً ممکن و مقدور نیست. وقتی بدیهی‌ترین امور در فوتبال ایران، حق پخش، تبلیغات دور زمین و بلیت فروشی به باشگاه‌ها تعلق نمی‌گیرد، نتیجه‌اش می‌شود همین وضع امروز. باشگاه‌ها یا خصوصی و مردمی هستند و یا صنعتی! اگر صنعتی باشند که همه چیز دارند! اگر مردمی یا خصوصی یا کلاً غیرصنعتی باشند، هیچ ندارند. نتیجه هیچ نداشتن می‌شود نساجی. می‌شود ملوان. می‌شود سپیدرود. تماشاگر دارد اما ورزشگاه استاندارد ندارد. ساختار باشگاهی درست ندارد. سند چشم‌انداز و افق دید و برنامه پنج ساله ندارد. برنامه تحول ندارد. زمین چمن طبیعی و ساده‌ترین امکانات تمرین را ندارد. هیچ!

نساجی یکی از جذاب‌ترین و چشم‌نوازترین تیم‌های ایران است و همچنین یکی از محروم‌ترین و فقیرترین باشگاه‌ها! وقتی به ساده‌ترین امکاناتی نگاه می‌کنیم که چنین تیمی باید داشته باشد، باید تعجب کنیم. تعجب از اینکه چرا نساجی تا امروز درست مدیریت نشده؟ چرا زمین چمن طبیعی ندارد؟ چرا اصلاً نیمی از سال ورزشگاه و محل تمرینش در اختیار خودش نیست؟ چرا در جایی که همیشه باران می‌آید، نساجی باید چمن مصنوعی داشته باشد؟

چرا هزینه‌ای که برای یک بازیکن نیمکت‌نشین می‌شود را خرج رختکن نمی‌کنند؟ چرا شهر و استان، هوای تیم بزرگش را ندارد؟

حقیقت این است که در فوتبال ایران از هیچ چیز نباید تعجب کرد. نباید تعجب کنی چرا نساجی با همه دوست‌داشتنی بودن و پرتماشاگر بودنش، امکانات استاندارد لیگ برتر را ندارد و نباید تعجب کنی چرا در لیگ حاضر است! کلاً از هیچ چیز تعجب نکن. ساختار فوتبال ایران، ساختار تعجب‌برانگیزی است. عادت می‌کنی!

از بیابان و صحرا برج رویدا!

سعید زاهدیان

روزنامه‌نگار ورزشی

کردند تا برنامه‌های خود را درخصوص بازی‌های آسیایی که کمتر از یک سال بعد به میزبانی دوحه برگزار می‌شد، تشریح کنند. اتفاق جالب جایی رخ داد که کمیته برگزاری بازی‌های آسیایی میهمانان خود را به جایی حوالی سیتی‌سنتر بردند؛ یک گودال عمیق و بزرگ جلوی ما بود. مسئول قطری برای خبرنگاران توضیح داد که اینجا محل آسکان خبرنگاران در بازی‌های آسیایی است! برای ما که ساختن یک آپارتمان ۱۰ واحدی بیش از یک سال طول می‌کشید، قابل درک نبود که

چطور این گودال در کمتر از یک سال محل آسکان خبرنگاران خواهد شد. همان شب، سفارت ایران در دوحه ضیافت شامی برای خبرنگاران تدارک دیده بود. یکی از بچه‌ها پرسید که واقعاً آن گودال به یک آسمانخراش تبدیل می‌شود که جواب شنید: «حالا به چیزی گفتند... خیلی جدی نگریه». یک سال بعد، در آذرماه سال ۱۳۸۶ وقتی به دوحه رسیدیم، از فرودگاه ما را به محل اقامت‌مان بردند؛ دقیقاً به سمت همان گودال. حیرت‌انگیز بود. ما جلوی یک برج ۴۳

طبقه قرار داشتیم. با سوئیت‌های تکمیل از میلان و تلویزیون گرفته تا تختخواب و تابلوهای تزئینی! فردا شب اتوبوس‌ها طبق برنامه برای افتتاحیه به مجموعه اسپایر می‌رفتند. برای رسیدن به اسپایر باید از شهر خارج می‌شدیم و در یک جاده که اطرافش صحرا و بیابان بود، ۳۰ دقیقه می‌رفتیم. یک ورزشگاه بزرگ، چند زمین تمرین با چمن فوق‌العاده، سالن‌های متعدد ورزشی با طراحی ویژه، شکفت‌انگیزتر از همه، برج ۳۰۰ متری مشعل بود با ۵۰ طبقه. قطر ما را به

بازی‌های آسیایی دعوت نکرده بود بلکه این نمایشی کوچک از تغییر بزرگی بود که قطر در ویزن خود داشت. غرب آسیا، بازی‌های آسیایی و جام ملت‌های مقدمه‌ای بود برای جام جهانی. حالا در آستانه جام جهانی، تمام آن مسیر بیابانی ۳۰ دقیقه‌ای از مرکز شهر تا اسپایر آباد شده و از صحرا برج‌های بزرگ روییده تا اسپایر بیرون شهر دوحه نباشد. به عکس‌های فعلی اسپایر نگاه کنید. از بیابان و صحرا برج و ساختمان روییده تا اسپایر در دل شهر دوحه باشد.

فوتبال سنتی ایران علاقه‌ای به برنامه‌ریزی ندارد

«نه» بزرگ به پروتکل‌ها

آرمن ساروخانیان

روزنامه‌نگار

با برگزارکنندگان مراسم هماهنگ باشد و به اختیار خودش میهمانان را برای گرفتن عکس روی صحنه دعوت نکند؛ تماشاگرانی که با بلیت به ورزشگاه می‌روند، پشت در نمانند و بتوانند روی صندلی‌شان بنشینند؛ خبرنگارانی که کارت دارند برای رسیدن به جایگاه‌شان معطل نشوند؛ افراد غیرمسئول کنار زمین نباشند. این فهرست بسیار طولانی است و می‌توان به موارد زیادی در فوتبال ایران اشاره کرد که ساختاری برایش وجود ندارد و در مواجهه ناگهانی با مشکلات است که مسئولان مجبور می‌شوند برای آنها فکری کنند.

لغو ممنوعیت ورود تماشاگران زن بهانه‌ای شد تا یک بار دیگر مشکلات زیرساخت‌های ورزشگاه‌ها زیر ذره‌بین قرار بگیرد. ۲۲ سال

بعد از شروع لیگ حرفه‌ای، هنوز بیشتر ورزشگاه‌ها استاندارد مناسبی ندارند. بعضی از مشکلات این ورزشگاه‌ها به قدیمی بودن آنها برمی‌گردد، مثلاً برای ورزشگاه وطنی قائمشهر که در محاصره خانه‌هاست، نمی‌توان طبق استانداردهای بین‌المللی ورودی و خروجی مجزا برای میهمان و میزبان در نظر گرفت. مشکل بزرگ‌تر اینجاست که ورزشگاه‌های نوساز هم بدون توجه به این استانداردها ساخته شده‌اند و ایرادهای زیادی به آنها وارد است. بعضی از ورزشگاه‌ها که کمتر از ده سال عمر دارند به دلیل همین بی‌توجهی‌ها بلااستفاده شده‌اند.

فوتبال فقط یک بازی نیست که به ۹۰ دقیقه درون زمین محدود شود. فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا دائماً استانداردهای جدیدی اعمال

می‌کنند، ولی فوتبال ایران گرفتار رختوی است که دوست دارد با همان مدل سنتی که از سال‌ها پیش داشته ادامه بدهد. مدیریت برای مدیران باشگاه‌ها در نقل و انتقالات و انتخاب مربی خلاصه شده. آنها به این نکته توجه ندارند که تجهیز ورزشگاه، تهیه زمین تمرین مناسب، درآمدزایی و اطلاع‌رسانی به همان اندازه اهمیت دارد و بدون توجه به آنها نمی‌توان در مسیر پیشرفت و ثبات قرار گرفت. اتفاقات عصر پنجشنبه برج میلاد می‌تواند تلنگری باشد که فدراسیون جدید پوسته سنتی فوتبال را بشکافد و نظم جدیدی به این ورزش برطرفدار حاکم کند، ولی سابقه نشان می‌دهد که تمام آنها صرف مشکلات و مسائل روزمره خواهد شد.

سعید آقایی

روزنامه‌نگار ورزشی

آزمندان همیشگی

درست مطابق انتظار بود، حتی یک جاهایی پایین‌تر از انتظاری که داشتیم. یعنی پیش‌بینی می‌کردیم که از این بدتر باشد اما آخبر بدتر نشد! اما آیا مراسم رونمایی از جام جهانی می‌توانست بدتر از این باشد؟! مراسم‌هایی که در بدی چیزی کم نداشت و کامل بود! یعنی اگر قرار باشد نمونه کاملی از بدترین را مثال بزنیم، باید به همین مراسم اشاره کنیم. آنچه حتی در بد بودن می‌تواند به عنوان سرفصل در کلاس‌های تئوریک و دانشگاهی تدریس شود!

یعنی ببینید که در برج میلاد چه اتفاقی افتاد. شما این کار را نکنید! برای بد بودن چیز مهیا بود؛ از مجری برنامه تا عواملی که هر کدام به تنهایی برای نابود کردن یک پروژه کافی به نظر می‌رسند اما جمیع آنها کمک کرد تا بدترین برنامه تاریخ را شاهد باشیم. آنقدر بد و شرم‌آور که حتی آبرو و اعتبار یک ملت و مملکت را برابر چشمان از حدقه درآمده دو نماینده خارجی بر باد داد و سبب شد تا رفتاری دور از شأن و ادب از سوی نماینده فیفا شاهد باشیم. آنجا که بی‌اعتنا به تمامی جمعیت خودی و نخودی روی استیج و حاضر در سالن جام را با عصیانیت زیر بغل زد و با فریاد جمعیت را شکافت و از سالن خارج شد.

برنامه‌ای که به روشنی برای بار ۱۸م ثابت کرد که در این سرزمین برنامه، ساختار، تیم‌ورک، تشکیلات و واژه‌هایی از این دست بی‌مایه‌اند و هیچ اعتباری ندارند. حرص و آزمندی در گرفتن یک عکس یادگاری با جام جهان‌نما و شلوغ‌کاری تهوع‌آور روی استیج با گلوآه‌هایی که از پشت میکروفون توسط مجری جو زده ملغمه‌ای را درست کرده بود که بی‌تردید نظیر آن را هیچ کجا نمی‌توان دید الا همین سرزمین! نظیر همان صحنه‌هایی که پیش‌تر در ساختمان هرمی سبزرنگ بهارستان توسط مشت‌نماینده آزمند برای گرفتن یک عکس سلفی با موگرنی خلق شده بود. آنها که خود را عصاره ملت می‌دانند، جلوتر از فوتبال در بی‌هویتی انگشت‌نمای خاص و عام شده‌اند، اینکه دیگر فوتبال است و مشت‌ستاره فراموش شده که جای خود دارد!



شهر اولین‌ها، تیم تنهاترین‌ها

سام ستارزاده

روزنامه‌نگار ورزشی

وضعیت ساختاری و سخت‌افزاری نفت MIS نه تنها به لیگ برتری‌ها، بلکه مناسب لیگ آزادگان هم نیست. وضعیت اسفبار نفت مسجدسلیمان در فوتبال ایران، تداعی بخش فقدان امکانات در یکی از مناطق نفت‌خیز اما محروم جنوب کشور است که سهم آن از سفره نفت کشور، تنها یک تیم فوتبال دوست‌داشتنی است. این زمین‌دیمی که متعلق به صنعت نفت کشورمان است نیست که با بودجه ۳۰ میلیاردی بسته شود؛ در حالی که قسمتی از همین مبلغ نیز پیش

از رسیدن به خزانه باشگاه، به حساب برخی مدیران و واسطه‌های دخیل کوچ می‌کند. شاید نبود فرودگاه یا هتل با کیفیت در شهر مسجدسلیمان مشکلی نباشد که مدیران یک باشگاه فوتبالی از پس رفع آنان بریابند؛ اما در شأن یک نماینده لیگ برتر نیست که ورزشگاهش نه تنها از چمن باکیفیت و نورافکن‌های استاندارد، بلکه حتی از دوش حمام برای بازیکنان برخوردار نباشد. بسیاری از مشکلات مالی و سخت‌افزاری باشگاه پیش از آغاز فصل جدید و از

زبان هدایت یزدی، مدیرعامل مستعفی مسجدسلیمانی‌ها بازگو شدند؛ اما تا امروز به سادگی به یاد فراموشی سپرده شدند. تیم فوتبال شهری که در کشورمان حتی در فوتبال به شهر اولین‌ها معروف است، بیشتر برازنده لقب تیم تنهاترین‌هاست؛ چرا که حتی برای پرداخت هزینه سفر هوایی جهت برگزاری بازی‌های خارج از خانه خود با تنگنای مالی دست‌وپنجه نرم می‌کند. نفت مسجدسلیمان یکی از دو تیم لیگ است که مسئولیت مستقیم آن با وزارت نفت است.

تیم شهر اولین‌ها قرار نیست بتواند سال‌ها بدون حمایت عملی از سوی مالک خود را به سطح اول فوتبال ایران نگه دارد. بدون اختصاص بودجه و برنامه‌ریزی برای بهبود و استانداردسازی امکانات، آینده‌ای برای نفت MIS در لیگ نمی‌توان متصور شد. ای کاش مسئولین نفتی اگر توان چنین حمایتی را در خود نمی‌بینند، مالکی دلسوزتر و دست‌دل‌بازتر برای هدایت تیمی که قلب هزاران مسجدسلیمانی عاشق فوتبال با آن می‌تپد را برای جنوبی‌های تنهاترین لیگ پیدا کند.

بحران اسناد در فوتبال ایران

یونس علیزاده

روزنامه‌نگار ورزشی

کلی مشکل در فوتبال داریم که همه می‌دانند اما یکسری معضلات هم وجود دارد که هیچ‌کس از آن خبر ندارد یا کمتر در موردش صحبت شده است. یکی از این مسائل، اسناد و مدارک مربوط به ورزشگاه‌هاست. طبق پروتکل‌های اصلی فیفا که توسط کنفدراسیون فوتبال آسیا مورد توجه قرار می‌گیرد، بحث ورزشگاه خانگی و ورزشگاه

اختصاصی برای تمرین است. هر کدام از این موارد، یکسری قواعد و قوانینی دارد تا توسط ناظران AFC مورد پذیرش باشد. مثلاً درهای ورود و خروج برای خبرنگاران، تماشاگران، مأموران نظم دهنده و میهمانان ویژه باید مجزا باشد. سرویس‌های بهداشتی، تهویه، استحکام سکوها، بلیت‌فروشی، فاصله زمین تا سکو، خروجی اضطراری و... اما در کنار این موارد، اسناد ورزشگاه هم مورد توجه است. فیفا می‌گوید اگر ورزشگاه اختصاصی ندارد، می‌توانید آن را اجاره کنید اما برای آنکه یک

باشگاه حرفه‌ای باشید، حتماً باید استادیوم تمرینی اختصاصی یا سند به نام باشگاه و سهامدارانش در اختیارتان باشد. این موضوع برای تمامی باشگاه‌های ایران قفل است! هیچ‌کدام‌شان نمی‌توانند ادعایی در مورد ورزشگاه اختصاصی داشته باشند. شاید در بهترین حالت، کارخانه یا صنعت اصلی که حامی باشگاه‌هاست، استادیومی داشته باشد که در سهام باشگاه گنجانده نشده است. این مشکل را به یاد داشته باشید تا ابعاد بیشتری در آینده در این خصوص منتشر شود.

این خانه از پای بست ویران است

ایمان شیرازی

روزنامه‌نگار ورزشی

میزبانی پرهرج و مرج ایران در رونمایی از کاپ جهانی یک اتفاق عجیب بود. مراسمی که به ضعیف‌ترین شکل ممکن در مقایسه با کشورهای دیگر و همسایگان برگزار شد. این مراسم نمونه کوچکی از شرایط فوتبال ایران را به تصویر کشید. مشکل فقط بر برگزار شدن این مراسم

نیست، بلکه با نگاهی کاملاً سطحی به تمام جامعه فوتبالی ایران مشکلات را کاملاً احساس خواهید کرد. از گزارشگران با اطلاعات غلط و گزارش صحنه آهسته‌های بازی به‌عنوان موقعیت خطرناک گرفته تا مجری و میهمان‌های پکیجی چشم‌کزن برنامه‌های فوتبالی ایران هیچ کدام وضعیت مطلوبی را از فوتبال نشان نمی‌دهند. از سوی دیگر فوتبالی که دو تیم باشگاهی اصلی آن مجوز حرفه‌ای برای حضور